



مرکز عدالت
برای کودکان و نوجوانان

ابزار آموزشی

محدودیت‌های حق دسترسی متهم به وکیل انتخابی در نظام عدالت کیفری ایران





مرکز عدالت
برای کودکان و نوجوانان

ابزار آموزشی

محدودیت‌های حق دسترسی متهم
به وکیل انتخابی در نظام عدالت
کیفری ایران

حق دسترسی به وکیل مدافع در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر شناسایی و به رسمیت شناخته شده است. در این ابزار آموزشی، جنبه‌هایی از این حق، با توجه به معاهدات حقوق بشری جهانی و قوانین ایران مورد بررسی قرار گرفته است. حق دسترسی به وکیل مدافع در ایران در جریان سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به گونه‌های مختلف تحت تاثیر فضای سیاسی حاکم قرار داشته است. قانون‌گذاران با اثرپذیری از سیاسیون و اهداف نظام حاکم و برای تضمین اینکه بتوانند مخالفان سیاسی‌شان را بدون دخالت وکیل مدافع، مورد مجازات قرار دهند، این حق را همواره به شکلی که منافع‌شان ایجاب می‌کرد محدود ساخته‌اند. در آخرین مورد قانون‌گذاران در ایران در سال ۱۳۹۴ حق دسترسی به وکیل مدافع «انتخابی» را مورد حمله قرار دادند. بر اساس تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، متهمان پرونده‌های مربوط به امنیت عامه و متهمان جرایم عقیدتی و سیاسی از داشتن حق انتخاب وکیل مدافع در مراحل اولیه بررسی پرونده‌شان محروم شدند. این دسته از متهمان فقط حق دارند از لیست تایید شده توسط رئیس قوه قضاییه، وکیل انتخاب کنند.

این موضوع متهمان و خانواده‌های آنها را با چالش‌های فراوان در امر دسترسی به عدالت مواجه ساخته که در این ابزار آموزشی به تفصیل به آن پرداخته شده است. به علاوه در این ابزار آموزشی، ما اصول و قواعد بین‌الملل در زمینه حق دسترسی به وکیل مدافع و قوانین داخلی ایران را که به صورت عینی با تبصره ماده ۴۸ در تعارض قرار دارد، مورد بررسی قرار داده‌ایم.

این ابزار آموزشی با تمرکز بر نقش نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کانون وکلای دادگستری، فعالین مدنی و سیاسی، بر روش‌های دادخواهی و تلاش‌های لازم برای لغو تبصره ماده ۴۸ تمرکز دارد.

در بخش پایانی این ابزار آموزشی، برای نمونه پرونده‌هایی که متأثر از تبصره ماده ۴۸ بدون حضور وکیل انتخابی تشکیل و در نتیجه عدالت در مورد متهمان رعایت نشده، مورد بررسی قرار گرفته است.

مرکز عدالت برای کودکان و نوجوانان امیدوار است که کاربران ما با استفاده از بحث‌ها و محتوی این ابزار آموزشی اهداف زیر را دنبال کنند:

• درباره حق دسترسی به وکیل مدافع و اصول و ارزش‌های دسترسی به عدالت، آگاهی حاصل کنند.

• آگاهی سایر افراد، فعالین مدنی و سیاسی و وکلای مدافع را در مورد پیامدهای تداوم اجرای تبصره ماده ۴۸ و ضرورت مبارزه با آن را افزایش دهند.

• برای حذف تبصره ماده ۴۸ که حق دسترسی به وکیل مدافع و در نتیجه حق دسترسی به دادرسی عادلانه را به گونه‌ی چشمگیری محدود می‌کند، مبارزه کنند.

ما امیدواریم که این ابزار آموزشی به صورت گسترده در ایران در دسترس وکلا و فعالان مدنی قرار گیرد و از آن برای دفاع از حقوق انسانی و قانونی شهروندان، به خصوص آنانی که به اتهام جرایم سیاسی، امنیتی و عقیدتی به خطرات جدی مواجه‌اند، مورد استفاده قرار گیرد.



اصول وقواعد بین الملل در زمینہ حق دسترسے متہمان و کودکان معارض قانون بہ وکیل



اصول و قواعد بین الملل در زمینه حق دسترسی متهمان و کودکان معارض قانون به وکیل

اصول و قواعد بین الملل در زمینه حق دسترسی به وکیل در مجموعه‌ای از معاهدات بین المللی حقوق بشر و سایر اسناد تصویب شده از سال ۱۹۴۵ که به حقوق ذاتی بشر شکل حقوقی بخشیده و بدنه حقوق بشر را توسعه داده، مورد توجه قرار گرفته است. برخی از این اسناد نیز در سطح منطقه‌ای به تصویب رسیده که منعکس کننده نگرانی‌های خاص حقوق بشر در منطقه است و سازوکارهای خاص حفاظت را فراهم می‌کند. لذا در این نوشتار به اصول و قواعد بین الملل در زمینه حق دسترسی به وکیل پرداخته می‌شود.

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

- حق دسترسی به وکیل مدافع
- حق دسترسی به موقع به وکیل مدافع
- محرمیت

۲. مقررات بین المللی در زمینه دسترسی کودکان معارض قانون به وکیل

- کنوانسیون حقوق کودک
- قوانین سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی
- حداقل قوانین استاندارد سازمان ملل برای اجرای عدالت نوجوانان (قوانین پکن)
- نظریه عمومی شماره ۱۰ (۲۰۰۷) حقوق کودکان در عدالت نوجوانان

[نسخه کامل را اینجا مطالعه کنید](#)



چهارچوب ملے قانون گذاری
درایران درزمینہ حق دسترسے
متہم بہ وکیل



چهارچوب ملی قانون گذاری در ایران در زمینه حق دسترسی متهم به وکیل

حق دسترسی متهم به وکیل که در اسناد و قواعد حقوق بین الملل و نظام دادرسی عادلانه به رسمیت شناخته شده، به قانون اساسی و قوانین ملی و داخلی کشورها راه یافته و سیاست گذاران در جریان تصویب قوانین عادی، به این مهم پرداخته‌اند. در ایران نیز، حق دسترسی متهم به وکیل، در قوانین متعدد مورد توجه قرار گرفته که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

هر چند تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، سد راه دخالت وکیل در پرونده‌های مهم در مرحله تحقیقات مقدماتی شده، اما چنانچه در این مقاله ملاحظه می‌کنید، جامعه برای دسترسی به وکیل با خلاء حقوقی روبرو نیست، مشکل اساسی عدم تضمین حقوق اساسی مردم از جمله حق دسترسی به وکیل در مقام عمل و تلاش‌های ساختار قوه قضاییه و حکومت برای منع دسترسی وکلا بخصوص در مراحل تحقیقات مقدماتی به پرونده‌های کیفری است. این مشکلات موجب گسترش فساد در قوه قضاییه، رواج دلالتی و ضرورت دخالت مردم و افراد غیر متخصص در روند دادرسی‌ها و انبوه پرونده‌ها در دادگستری شده است. هر ساله قریب ۲۰ میلیون پرونده وارد دادگستری می‌شود. این آمار طبیعی نیست، حضور وکیل علاوه بر ایجاد اعتماد عمومی، سبب کاهش پرونده‌ها خواهد شد. چون بسیاری از دعاوی حقوقی و کیفری نادرست طرح می‌شوند.

[نسخه کامل را اینجا مطالعه کنید](#)



**حق دسترسی به وکیل
مدافع در قانون آیین
دادرسی کیفری مصوب
۱۳۹۴**

حق دفاع و حق انتخاب وکیل و دسترسی به وکیل مدافع در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی، قوانین موضوعه عادی و رویه های قضایی و دکترین حقوقی، به اشکال گوناگون به رسمیت شناخته شده است. این حق در قانون اساسی به طور مطلق و بدون هر گونه قید و محدودیتی مقرر شده و دادگاهها نیز مکلف به پذیرش وکیل منتخب مردم و اصحاب دعوی به تجویز مقرر در اصل سی و پنجم آن و فراهم آوردن ساز و کار انتخاب وکیل از سوی افراد فاقد توانایی، در راستای حق بر معاضدت قضایی و حقوقی شده اند، لکن علیرغم شناسایی حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در قوانین عادی مطروحه- این حق به ترتیب مندرج در برخی از قوانین، از جمله تبصره ماده ۴۸ و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی (۲۴/۳/۱۳۹۴) و ترتیب مقرر در بخشنامه ابلاغی صادره در تشکیل دادگاههای ویژه رسیدگی به جرائم متهمان اخلاف در نظام اقتصادی، ناشی از انتخاب و تعیین ارادی و آزاد وکلای منتخب متهمان مربوطه نبوده و مقید به انتخاب وکیل از سوی متهمان مزبور از میان وکلای دادگستری مورد تایید ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح، حسب مورد شده است که نظر به تغییرات اساسی به عمل آمده در رویکرد سیاست کیفری این قانون و توجه ویژه به حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در آن، بدان خواهیم پرداخت.

[نسخه کامل را اینجا مطالعه کنید](#)

۳

نگاہے بہ روند قانونگذاری
در ایران و تبصرہ مادہ ۴۸ آیین
دادرسے کیفری

از ابتدای تشکیل دولت مدرن در ایران و تصویب اولین قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۲۹۰، حق دسترسی متهم به وکیل، دشوار بوده است. پس از انقلاب ۵۷ این حق دچار عارضه‌های کلی و جزئی نیز شده است. عارضه کلی این بود که حق بر دسترسی به وکیل در فقه اسلامی هیچ انعکاس مثبت یا منفی نداشته و ضرورت انطباق قوانین کشور با اسلام و فقه جعفری سبب شده روحانیون تازه به قدرت رسیده به کلی این حق را درباره بسیاری از متهمان تا پایان دهه اول انقلاب به کلی نادیده بگیرند.

از آنجایی که حکومت ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی پیوسته از جمله کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی پیوسته است. حداقل در شکل ظاهری موظف به رعایت استانداردهای مدرن دسترسی به عدالت بوده، مقاومت روحانیون تازه به مسند قضا رسیده راه بجایی نبرد و با سفر گزارشگران مختلف موضوعی و حقوق بشری سازمان ملل به ایران مجبور شدند با وجود تعطیلی کانون‌های وکلای دادگستری مجدد از سال ۱۳۷۶ کانون وکلای را از کنترل حکومتی (پس از اجرای پاکسازی غیر قانونی) خارج سازند.

به طور نمونه تا سال ۱۳۷۳ وکلا اجازه تردد در دادگاه‌های انقلاب اسلامی و پذیرش وکالت مخالفان حکومت و متهمان به ارتکاب جرایم مهم و امنیتی را نداشتند. در کرمان قاضی شعبه‌ای از دادگاه کیفری ۱ (به تصدی یک روحانی) رسماً روی درب اتاق دادگاه در سال ۱۳۶۸ اعلامیه نصب کرده بود که این دادگاه از پذیرش وکلا معذور است.

در سال ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام مجبور شد ماده واحده‌ای تصویب نماید بنام قانون حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی. این قانون ضمانت اجرایی نداشت و تغییر در وضعیت حق دسترسی به وکیل ایجاد نکرد. تا سال ۱۳۷۸ که قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تصویب شد، قانون سال ۱۲۹۰ در برخی موارد از جمله پرنده‌های عمومی اجرا می‌شد. تبصره‌ای سال ۱۳۹۴ به ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران اضافه شد. بر اساس این تبصره، متهمان جرایم سیاسی، امنیتی، مدنی و عقیدتی، از انتخاب وکیل تعیینی در مراحل بازرجویی و تحقیقات دادرسی محروم می‌شوند. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح دارد:

«در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته، در مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی دادرسی، طرفین دعوی تنها می‌توانند وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضاییه باشد، انتخاب نمایند و اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌شود.»

تحدید حق دسترسی آزاد به وکیل مستقل، مندرج در این تبصره، چه تاثیری بر دسترسی بر عدالت و حق داشتن وکیل مستقل و اختیاری دارد؟

۱. تاثیر ماده ۴۸ روی اصل دسترسی به عدالت

دسترسی به عدالت با تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به خصوص در پرونده‌های مهم از جمله پرونده‌های قتل، پرونده‌های به اصطلاح امنیتی، نقض می‌گردد. جامعه حق دارد اطمینان حاصل کند که پرونده‌های قضایی با مجازات‌های سنگین، به درستی و عادلانه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر نفی حق متهم، این حق را از مردم ساقط می‌کند.



پادکست ۳ قسمی

درآمدی بر تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری



سینا یوسفی
حقوقدان و
وکیل دادگستری



طناز کلاهچیان
حقوقدان و
وکیل دادگستری



حسین رئیسی
حقوقدان و استاد
دانشگاه کارلتون کانادا



درآمدی بر تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری

قانون‌گذاران، با الحاق این تبصره به ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، عملاً «حق دسترسی به وکیل»، مصرح در اصل ۳۵ قانون اساسی را محدود کرده، چراکه براساس این اصل، شهروندان حق دارند بدون هرگونه قید و شرط به وکیل دسترسی داشته باشند.

در نظام‌های حقوقی عدالت‌محور، اصل بر این است که وکلای مستقل می‌توانند خطاهای احتمالی قضایی و حقوقی را کاهش و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و نظام دادگستری را افزایش دهند، اما نظام جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهد اصول ایدئولوژیک را حتی با گسترش فساد و توسعه ناامنی قضایی، نهادینه سازد. در نتیجه با الحاق تبصره‌ای به ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، عملاً مانع از دسترسی شهروندان به وکلای مستقل شده است.

چرایی عدم تحمل ساختار قضایی جمهوری اسلامی از وکلای مستقل؛ تاثیر تبصره ماده ۴۸ در تعلیق عدالت در نبود وکلای آزاد و مستقل در پرونده‌های سیاسی، امنیتی، مدنی و عقیدتی؛ و ضرورت اصلاح تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تشکیل کمپین‌هایی برای پایان دادن به رفتار ضد قانونی و مغایر با امنیت قضایی شهروندان، محورهای گفتگوی حسین رئیسی متخصص حقوق کودکان و استاد دانشگاه کارلتون کانادا با طناز کلاهچیان و سینا یوسفی دو وکیل دادگستری است که در سه پادکست تقدیم می‌شود.

[این پادکست‌ها را اینجا بشنویید](#)

[ویدیوی این گفتگو را از اینجا مشاهده کنید](#)

۲. تاثیر ماده ۴۸ بر حق داشتن وکیل مدافع

دسترسی به وکیل و انتخاب وکیل مدافع در تمام دعاوی، اعم از کیفری و حقوقی و در تمام مراحل دادرسی، حق مردم و در زمره حقوق اساسی شهروندی است. ممانعت از اعمال این حق، و عدم حمایت در اعمال آن، یا ایجاد هرگونه مانع و محدودیت نسبت به آن و یا سلب این حقوق قانونی و بشری، مخالف آزادیهای عمومی، نقض حقوق بشر و قانون اساسی است. ضمن اینکه وکیل باید به طور آزادانه انتخاب شود، چون وجود صداقت و اعتماد میان متهم و وکیل، مستلزم استقلال وکیل است. یعنی وکیل باید مورد اعتماد و مورد تایید موکل باشد نه مورد اعتماد و تایید رئیس دستگاه قضایی. مقید کردن حق تعیین و انتخاب وکیل با این عنوان ناقض حق دفاع متهم و حق انتخاب وکیل است.

از سوی دیگر، انحصاری کردن امر وکالت (مندرج در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری)، موجب تقاضای حق الوکاله‌های نامتعارف از سوی چنین وکلایی می‌شود. به چنین رانتهی که علیه حقوق شهروندان ایجاد شده باید پایان داد. نگرانی‌های بیشماری در زمینه اینکه وکلای انتخابی مقدار هنگفتی را به عنوان حق الوکاله از موکلین تقاضا می‌کنند، وجود دارد. این حق الوکاله‌ها در مواردی تا سقف دو میلیارد تومان هم رسیده است.

۴

نقش وکالی مدافع در اصلاح
ساختارهای بازدارنده حق
دسترسی به وکیل

نهاد وکالت و وکلای مستقل از بهبود شرایط دسترسی مردم به وکیل و همچنین از سلامت دستگاه قضایی و عدم شائبه تبعیض و رانت در امر وکالت بهرمنند می‌شوند. منافع کلان جامعه در تضمین حق دفاع شهروندان و به طریق اولی آزادی وکلا در دفاع از حقیقت و عدالت است. از این رو وکلای دادگستری که در فاصله بیست سال گذشته تعدادشان بشدت در سراسر کشور افزایش یافته، لازم است رفتاری داشته باشند تا مانع استمرار حاکمیت قانون نابرابر و مانع دسترسی مردم بخصوص در جرایم و اتهامات مهم که جان، آزادی و حیثیت مردم در معرض خطر بازداشت و مجازات ناعادلانه قرار می‌دهد، باشند.

۱- وکلا با پذیرش دفاع در مرحله دادگاه و مراحل تجدیدنظر و یا فرجامخواهی از شهروندانی که در معرض اتهامات موضوع تبصره ماده ۴۸ بوده‌اند، به نحوه تفهیم اتهام و منع دسترسی به وکیل انتخابی اعتراض نمایند و تمامی آنچه در مرحله تحقیقات مقدماتی بدست آمده را زیر سوال ببرند و چالش جدی نسبت به آنها وارد نمایند. دادگاه در مقام رسیدگی ناچار است به آن چالش‌ها پاسخ بدهد. یکی از راههای اصلاح قوانین از طریق توجه دادن به مقامات قضایی و در لوایح وکلا و همچنین وارد شدن ایرادات به تصمیمات دادرسان دادگاه‌ها می‌باشد.

۲- وکلای دادگستری از طریق نقد تبصره ماده ۴۸ در رسانه و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به آگاهی مردم و اصلاح این قانون کمک موثر نمایند.

۳- نهاد وکالت نیز چه از طریق ارتباط با قانونگذاران و چه از طریق رسانه‌ها می‌توانند موجبات روشن شدن ابعاد تاریک این تبصره برای مردم و نور انداختن بر زینهای کلان آن بر امنیت قضایی جامعه فراهم نمایند.



نقش وکلای مدافع در کمپین لغو تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری

آنچه کانون وکلای دادگستری را به عنوان اولین نهاد مدنی شناخته شده، معرفی می‌نماید، همانا تاریخچه و قوانین آن در هنگام تاسیس است. در هنگامی که هیچ شکل و نهادی دارای قانونی نظام‌مند نبود، کانون وکلا با قوانین مدرن خود اداره می‌شد. اما این کهن‌ترین نهاد مدنی در طول تاریخ حیاتش همواره دستخوش تغییرات بسیار بوده، آنچنان که این تغییرات نه فقط در تدوین قوانین و محدود نمودن استقلال کانون وکلا، بلکه با قرار دادن وکلا در مقابل یکدیگر به چند دستگی و بی‌اعتمادی بین وکلا نیز دامن زده است.

حکومت با افزودن تبصره ای به ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری و قوه قضاییه با انتشار اولین فهرست وکلای مورد تایید، در سال ۹۴ یک رویکرد تقابلی تازه با وکلای مستقل آغاز کرد. در همان ابتدا لیست ۲۰ نفره‌ای از وکلایی که تحت این تبصره می‌توانستند در دادرها و دادگاه‌های خاص از جمله دادرای امنیت و دادگاه انقلاب حضور داشته باشند توسط قوه قضاییه در معرض عموم قرار گرفت. با اعلام این لیست ابتدایی که در سال‌های بعد به حدود ۲۰۰ نفر افزایش یافت، نظرات موافق و مخالف بسیاری بیان گردید تا جایی که بسیاری از وکلای سرشناس از اینکه نامشان در این فهرست قرار گرفته اظهار بی‌اطلاعی نموده و خواستار حذف نام خود شدند. شاید تنها نظر موافق در این میان، حضور وکیل به هر بهانه در جریان دادرسی بود که با توجه پر رنگ بودن نظرات مخالف هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفت. اما در عمل قوه قضاییه نه تنها این فهرست را از میان نبرد، بلکه در سال‌های پس از آن به تعداد افراد این لیست افزود و به واقع وکلا را روبروی یکدیگر قرار داد.

[نسخه کامل را اینجا مطالعه کنید](#)



نقش مجلس شورای اسلامے
درتامين حق دسترسے متهم
به وکیل

تنها راه تغییر یا اصلاح قوانین، اصلاح آنها از طریق دستگاه قانونگذاری است اما اینکه مجلس شورای اسلامی به ضرورت اصلاح برسد، نیاز به فشار مردمی دارد. هرچند در مورد میزان توان اثرگذاری مجلس بر بخشی از حاکمیت از جمله دادگاههای انقلاب و مدیران دستگاههای امنیتی و توان این نهاد در قانع ساختن دستگاه قضایی به اصلاح، تردیدهایی وجود دارد. همانگونه که شکنجه کردن سالهاست در قوانین و حداقل روی کاغذ محو شده، منع دسترسی به وکیل نیز باید حذف شود.

معمولا در نظام های دموکراتیک، پارلمان مکانیزم نظارتی بر اجرای قوانین دارد. در جمهوری اسلامی چنین امکانی به صراحت پیش بینی نشده است، اگرچه امکان شکایت از تصمیماتی که منجر به نقض حقوق عمومی می شود در اصل ۹۰ قانون اساسی و از طریق کمیسیون موضوع این اصل پیش بینی شده است. نکته مهمی که در اینجا اهمیت دارد اینکه نقض حق دسترسی به عدالت یا دسترسی به وکیل معمولا در دادگاهها و نزد مامورین و در دادسراها رخ می دهد. مکانیزم نقض این حق تا حدی در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده از جمله در ماده ۱۹۰ قانون مورد نظر. آنچه اهمیت دارد اینکه مجلس شورای اسلامی در ایران نه حق نظارت بر قوه قضاییه را دارد و نه اراده آن را دارد. برای رسیدن به این درجه از تضمین حقوق مردم که مجلس خود مکانیزم نظارتی را پیش بینی نماید، نیاز به قانونگذاری جدید و پیش بینی دادگاه قانون اساسی یا دادگاه حقوق بشر است تا امکان تامین این حق فراهم شود. بدیهی است چنانچه اراده لازم وجود داشته باشد، مجلس می تواند با قانونگذاری جدید مکانیزم لازم تضمین این حق را برای همه شهروندان فراهم نماید.

مرکز پژوهشها مجلس می تواند با تهیه آماری از پرونده ها و زیان هایی که از عدم دسترسی به وکلای انتخابی بر جامعه متحمل می شود، موجبات این تغییرات را فراهم نماید.

همواره لابی هایی هستند که در کنار مجالس قانونگذاری قدرت دارند، باید آنها را شناسایی و از قدرت آنها برای بهبود شرایط حق دسترسی به عدالت قدمی برداشت.

نکته اساسی در این مورد ناظر به فعالیت مجلس قانونگذاری این است که اساس محدودیت در دسترسی به وکیل موجب نقض قانون اساسی و تعهدات حقوق بشری است. یکی از مواردی که مداوم در قطعنامه های محکومیت ایران در سازمان ملل تکرار می شود همین محدودیت

در حق دسترسی متهم به وکیل است. یادآوری این موضوع به قانونگذاران می‌تواند موجبات تغییر را احتمالا فراهم نماید.

تبصره ماده ۴۸ پیامی دارد که حکومت از وکلای مستقل هراس دارد. یک حکومت معمولی از وکیل ترس و نگرانی ندارد. مردم شهروند هستند و حکومت ارباب آنها نیست، تخلفات و جرایم احتمالی مردم باید در نهایت رفتار عادلانه و منصفانه رسیدگی شود. مجلس باید این اصل را مورد توجه قرار دهد که جامعه ایران به حدی از بلوغ رسیده که ارباب نیاز ندارد. بلکه به ساختار حکومت قانون و حکومت‌گری بر اساس قوانین عادلانه محتاج است. از این رو، نظام قانونگذاری این ضروت را باید درک کند، در نتیجه به تغییر قوانین بر اساس عرف و داده‌های علمی دست بزند.

قانون‌گذاران باید آگاه شوند که جامعه از فسادهای سیستماتیک رهایی نخواهد یافت، مگر جامعه حقوقی کشور توانای مبارزه با فساد را داشته باشد. آسیب به شغل وکالت و محدودسازی آن به منزله بی‌توجهی به اصل اساسی سلامت عمومی و ضرورت اعتماد عمومی است.

سوالاتی که سیاست‌گذاران باید به آن پاسخ دهند

تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، و محرومیت شماری از متهمان از برخورداری از حق دسترسی به وکیل، سوالاتی را ایجاد کرده که سیاست‌گذاران باید به آن پاسخ دهند:

۱. در تمام دنیا هرکس متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، فوراً باید به وکیل خود دسترسی داشته باشد. چرا در ایران این حق برای مردم در نظر گرفته نمی‌شود؟ چرا مجلس چنین قانونی تصویب نمی‌کند؟

۲. داشتن وکیل انتخابی از سوی طرفین دعوی، می‌تواند به گسترش عدالت منجر شود، چرا در ایران مردم باید از بین وکلای مورد تایید قوه قضاییه وکیل انتخاب کنند؟

۳. انتخاب وکیل از میان وکلایی که قوه قضاییه تعیین می‌کند، اعتماد عمومی را سلب و حقوق متهمان را تضعیف می‌کند، چرا مجلس این قانون را تغییر نمی‌دهد؟

۴. مجلس در قوانین مربوط به حجاب، خیلی سخت‌گیرانه و برخلاف منافع عمومی اقدام به قانونگذاری کرده، ولیکن برای حق دسترسی مردم به عدالت و اصلاح قوانین نادرست مانند تبصره ماده ۴۸ قانون آ.د.ک. چه برنامه‌ای دارد؟

۵. چرا مجلس نهاد وکالت در ایران را تضعیف می‌کند؟

۶. چرا مجلس مانند سایر نقاط دنیا، از استقلال وکیل در دعاوی حمایت نمی‌کند، محدودیتی که تبصره ماده ۴۸ ایجاد کرده، به منزله نبود وکیل است، دشمنی مجلس انقلابی با وکلا برای چیست؟

۷. برای قانون‌گذاران، اجرای قانون و حاکمیت قانون باید اولویت اول باشد. وقتی وکلای مستقل بهترین افراد برای اجرای قوانین هستند، چرا مجلس استفاده همه مردم از وکیل را تصویب نمی‌کند؟

۸. برای داشتن وکیل بخصوص برای اقشار کم‌برخوردار وکیل معاضدتی نیاز است، دستمزد این وکلا را باید دولت بدهد، چرا مجلس بودجه لازم برای امکان دسترسی مردم به عدالت را در اختیار نهاد وکالت قرار نمی‌دهد؟

۹. اعمال تبصره ماده ۴۸ در واقع یعنی هرچه بازجو گفت باید همان بشود، حتی اگر با شکنجه متهم به اقرار واداشته شود، چرا مجلس استقلال وکیل و قوه قضاییه را تامین نمی‌کند؟
۱۰. بازجویان دستگاههای امنیتی، پلیس آگاهی و اطلاعات سپاه معمولاً مردم را شکنجه می‌کنند، داشتن وکیل پس از دستگیری، مانع شکنجه می‌شود، آیا نمایندگان مجلس می‌دانند شکنجه جرم و نداشتن وکیل یعنی مجوز شکنجه؟
۱۱. قانون اساسی حق دسترسی به وکیل را تضمین کرده، ولی نمایندگان مجلس با تصویب قوانین عادی، این حق را محدود کرده‌اند، چرا؟
۱۲. مگر همه مصوبات مجلس نباید مطابق قانون اساسی باشد، چگونه مجلس با تصویب تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون اساسی را نقض کرده است؟
۱۳. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، وکیل حکومتی می‌سازد، وکیل حکومتی چگونه می‌تواند از حقوق مردم در برابر حکومت دفاع کند؟ چنین قانونی چرا حذف نمی‌شود؟
۱۴. با استمرار تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، امیدی به از بین رفتن فساد در دستگاه قضایی نیست، آیا شما پیشنهاد حذف این تبصره را خواهید داد؟
۱۵. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری موجب ایجاد رانت برای جمع کوچکی از وکلا شده است، چرا رانتهی که موجب فساد است حذف نمی‌شود؟
۱۶. مردم اگر وکیل خانوادگی خودشان داشته باشند امنیت قضایی و آسایش بیشتری خواهند داشت حال آنکه تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مانع این موضوع است، آیا برنامه‌ای برای حذف آن دارید؟
۱۷. آیا حذف تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در اولویت کار شما قرار دارد؟

۶

مطالعه موردی؛

پرونده‌های مرتبط به تبصره

ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی

کیفری

طی سال‌های اخیر، پرونده‌های متعددی در دستگاه قضایی، مرتبط با تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، تشکیل و مورد رسیدگی قرار گرفته و صدها خسارت‌های غیرقابل جبرانی نیز به همراه داشته، که اینجا به ۲ پرونده مرتبط با رویدادهای جنبش زن، زندگی، آزادی، پرداخته می‌شود:

پرونده کرج (قتل یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان)

در پرونده معروف قتل یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان در کرج، که به بازداشت ۱۶ نفر و در نهایت محکومیت همه آنها منجر به دو فقره اعدام منجر شد، قضات دادگاههای عمومی حتی پس از پایان تحقیقات و شروع محاکمه اجازه دخالت وکلای انتخابی متهمان را ندادند. در این پرونده همه ۱۶ متهم که سه نفر آنها کودک بودند، از حق دسترسی به وکلای انتخابی خود از ابتدای بازداشت محروم بودند. در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، آمده صرفاً در مرحله تحقیقات مقدماتی، وکلای مورد تایید قوه قضاییه می‌توانند در پرونده‌های مهم حضور داشته باشند.

با وجود صراحت قانون و نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، قاضی آصف الحسینی رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب کرج، (که هم‌زمان خود را قاضی دادگاه انقلاب و دادگاه کودکان معرفی می‌کرد)، با انتخاب وکلای تسخیری برای متهمان، اجازه نداد تا خانواده‌ها و متهمان، وکلای خود را معرفی کنند. قاضی نه تنها در مرحله تحقیقات مقدماتی بلکه در مرحله رسیدگی نیز، برخلاف قانون، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی را اعمال و متهمان را به استفاده از وکیل اجباری واداشت. در این پرونده، متهمان تنها در مرحله فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور، موفق شدند وکلای انتخابی خود را معرفی کنند.

نکته اینکه در این پرونده در مرحله بدوی و اولیه، ۵ نفر به اعدام محکوم شدند و در مرحله فرجام‌خواهی حکم اعدام دو نفر تایید شد. هرچند تایید حکم اعدام همان دو نفر نیز ظالمانه و در غیاب وکیل مستقل صورت گرفت. اگر وکیل مستقلی در مرحله اولیه، که متهمان تحت تعقیب و تحقیقات مقدماتی قرار گرفتند، حضور داشت، مانع از شکنجه متهمان شده و اجازه نمی‌داد با اخذ اعتراف اجباری از متهمان، حقوق آنها اینگونه تضییع شود.



تصویر بالا چند تن از ۱۶ متهم پرونده موسوم به قتل بسیجی روح‌الله عجمیان در کرج در سال ۱۴۰۱ در جریان جنبش زن زندگی آزادی را نشان می‌دهد. در این دادگاه شاهد بودیم که نه تنها در مرحله تحقیقات مقدماتی، بلکه قاضی آصف الحسینی در مرحله دادگاه اولیه نیز تا زمان صدور حکم نخستین اجازه نداد متهمان از وکلای انتخابی استفاده نمایند. برخی از وکلای تسخیری - تبصره ماده ۴۸ در شکل بازجو درآمدند. پس این خطر همچنان وجود دارد که در مراحل دادگاه نیز برخی دادگاههای انقلاب در پرونده‌های مهم اجازه حضور وکیل انتخابی را ندهند.

نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه

نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه که تصویر آن در زیر می‌آید، نشان می‌دهد که دستگاه قضایی از مصائب محدودیت در حق بر دسترسی به عدالت و وکیل آگاه است. همین سند که تفسیر خوبی از قانون اساسی نیز ارائه می‌کند، و دسترسی به وکیل را یک اصل می‌داند که صرفاً در حد استثنا با توسل به تبصره ماده ۴۸ فعلاً نمی‌تواند به مراحل بالاتر رسیدگی وارد شود.

۱۴۰۱/۰۹/۲۹

۷/۱۴۰۱/۷۷۷

شماره پرونده: ۷۷۷-۱۶۸-۱۴۰۱ ک

جناب آقای رجیبی
دادستان محترم عمومی و انقلاب مرکز استان فزوبین

با سلام و دعای خیر:

بازگشت به استعلام شماره ۹۰۳۱/۵۰۴۱۳/۱ مورخ ۱۴۰۱/۷/۲۱ به شماره ثبت وارده ۷۷۷ مورخ ۱۴۰۱/۷/۲۳، نظریه مشورتی این اداره کل به شرح زیر اعلام می‌شود:

اولاً، با عنایت به اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حاکی از حق انتخاب وکیل و ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که حق دسترسی به وکیل را به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی بیان کرده است و باید در تفسیر مواد بعدی این قانون مورد توجه قرار گیرد و نیز نحوه نگارش تبصره اصلاحی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از حیث چپش کلمات و عبارات و ذکر کلمه «همچنین» بین دو عبارت «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» و «جرایم سازمان‌یافته» حکایت از آن دارد که عبارت «که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است» به قسمت صدر این تبصره یعنی به جرایم علیه امنیت نیز تسری دارد.

ثانیاً، حکم مذکور در تبصره اصلاحی ماده ۴۸ یادشده، حکمی استثنایی و خلاف اصل است و در تفسیر قوانین و مقررات استثنایی باید به قدر متیقن اکتفا نموده و از تفسیر موسع اجتناب شود. بر این اساس، باید گفت انحصار مداخله وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه فقط در خصوص آن دسته از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی است که مجازات آن مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ باشد و در سایر جرایم علیه امنیت، کلیه وکلای دادگستری طبق عموماًت حق مداخله دارند و چون معیار حکم مقرر در تبصره ذیل ماده ۴۸ یادشده، صرف نظر از ویژگی‌های شخصی مرتکب (همانند سن)، مجازات قانونی جرایم ارتكابی است؛ لذا بین افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال و افراد بزرگسال در این خصوص تفاوتی نیست. /

روح اله رئیسی
معاون اداره کل حقوقی قوه قضاییه

پرونده محمد قبادلو

اولین جلسه محاکمه محمد قبادلو، از بازداشت‌شدگان رویدادهای جنبش «زن، زندگی، آزادی»، که به اتهام قتل عمدی یک مامور پلیس تشکیل شد، وکیل انتخابی او حضور نداشت، چراکه قاضی صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، آقای امیر رئیس‌یان وکیل او را عزل کرد و اجازه نداد در جلسه محاکمه حضور داشته باشد. این اولین بار نبود که قاضی صلواتی، تحت فشار نهادهای امنیتی، مانع از حضور وکیل مدافع متهمی در دادگاه انقلاب می‌شد.

محمد قبادلو ۲۲ ساله به اتهام «محرابه» و «افساد فی الارض» به «اعدام» محکوم شد. امیر رئیس‌یان و معصومه احمدی، مادر محمد قبادلو، به روند غیرقانونی رسیدگی به این پرونده اعتراض کردند. چراکه آنها به اصل اتهام «قتل مامور یگان ویژه از طریق زیر گرفتن» تردید وارد کرده و آن را رد کردند.

آنچه در این پرونده قابل توجه است اینکه، محمد قبادلو با مجازات اعدام روبرو بود ولی از بدیهی‌ترین حقوق خود محروم شد. او به وکیل اختیاری دسترسی نداشت. به گفته مادرش بدون حضور وکیل، بازجویی و محاکمه شد و در همان جلسه اول رسیدگی، حکم اعدام‌اش صادر شد. حال آنکه حضور وکیل مستقل هم می‌توانست مانع از شکنجه، اخذ اعترافات اجباری، نقض اصول آیین دادرسی کیفری در مراحل تحقیقات و رسیدگی شده و هم اجازه نمی‌داد بدون رسیدگی به پرونده شخصیت و نظریه پزشکی قانونی نسبت به سلامت عقلی او، چنین حکمی صادر و اجرا شود.



«فَلَا تَهِنُوا فِي الْهَوَىٰ أَنْ تَقُولُوا»

شماره دادنامه : 140206390000346716
تاریخ تنظیم : 1402/05/03

شماره بایگانی شعبه : [REDACTED]

شعبه اول دیوان عالی کشور
دادنامه

دیوان عالی کشور

فرجام خواسته را تأیید و ابرام کرده. وکلای محکوم علیه به استناد بندهای (ج) و (چ) ماده 474 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 با اصلاحات و الحاقات بعدی با وصف عدم سلامت روانی محکوم علیه و اظهارات ضد و نقیض شهود و عدم ارائه فیلم های مداربسته و ابهام در تاریخ ارجاع پرونده به شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان رباط کریم درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکم محکومیت محکوم علیه آقای محمد قبادلو را با ارائه نظریه مجدد پزشک متخصص اعصاب و روان اداره پزشکی قانونی شهرستان تهران مستند به بندهای (ج) و (چ) ماده 474 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 نموده است. پرونده جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است. هیأت شعبه پس از ملاحظه اوراق پرونده مشاوره نموده و چنین رأی می دهد:

رأی

در خصوص درخواست اعاده دادرسی محکوم علیه آقای محمد قبادلو با وکالت آقای امیر رئیسین فیروزآباد و ختم مهذخت دامغان پور نسبت به دادنامه شماره 140168390013653257 مورخ 1401/9/26 صادره از شعبه اول دادگاه کیفری یک استان تهران که متضمن محکومیت مشارالیه به قصاص نفس بابت اتهام قتل عمدی آقای فرید کرم پور و تحمل ده سال حبس تعزیری بابت اتهام شروع به قتل عمدی نسبت به یگان امداد آقاییان مهدی باباتی و محمد امین آقاجری و غیرضما بهرامی و شایان حیدری و تحمل یکسال و نیم حبس تعزیری بابت اتهام تخریب عمدی می باشد. نظر به اینکه در تعاقب صدور حکم قطعی، روانپزشک متخصص اعصاب و روان اداره پزشکی قانونی شهرستان تهران که سلامت روانی و فقدان هرگونه علائم و شواهد اختلال عمده روانپزشکی و قوه تمیز و کنترل محکوم علیه در زمان وقوع جرم تأیید و گواهی نموده بود در تاریخ 1402/4/7 پس از صدور حکم قطعی به وجود اختلالات دو قطبی و تکانش گری و انجام رفتارهای خطرناک محکوم علیه اظهار نظر نموده که این موضوع را مستلزم معاینه و بررسی مجدد دانسته است. بنابراین با وصف به اینکه هرگاه پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا امله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی گناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر وی باشد جهتی ازجهات اعاده دادرسی تلقی می گردد لذا با اعلام اینکه درخواست متقاضی با بند (ج) ماده 474 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 با اصلاحات و الحاقات بعدی انطباق دارد در اجرای ماده 476 قانون مرقوم با تجویز اعاده دادرسی رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارجاع می دهد .

شعبه اول دیوان عالی کشور

جمع بندی

حق دسترسی متهم به وکیل، به ویژه در امور کیفری، یک اصل اساسی و بنیادین در بسیاری از نظام‌های حقوقی در سراسر جهان است. این حق تضمین می‌کند که متهمان به وکیل مدافع برای محافظت از حقوق خود، ارائه یک محاکمه عادلانه و اطمینان از نمایندگی قانونی مناسب در سراسر فرایند عدالت کیفری، دسترسی داشته باشند. حق برخورداری متهم از وکیل، برای حفظ اصل «برائت یا فرض بر بیگناهی» بسیار تعیین کننده است، به این معنی که افراد تا زمانی که جرم‌شان ثابت نشود، بی‌گناه تلقی می‌شوند.

برای اطمینان از تحقق این حق، در هر کشوری، متهمان بدون توجه به وضعیت مالی‌شان، از حق برخورداری از وکیل قانونی برخوردارند. اگر آنها قادر به پرداخت مصارف وکیل نباشند، دولت مکلف است بدون هیچ هزینه‌ای برای آنها وکیل تعیین کند. علاوه بر این، وکیل مدافع متهم باید از مهارت، دانش و منابع لازم برای ارائه وکالت شایسته و کوشا برخوردار باشد.

یکی از راهکارهای موثر در تغییر قوانینی شبیه تبصره ماده ۴۸ آگاه‌سازی مردم از این است که طبق قانون اساسی و طبق قانون آیین دادرسی کیفری، همه مردم حق دارند بلافاصله پس از بازداشت و یا تحت تعقیب قرار گرفتن، در هر اژه‌امی، وکیل انتخابی خود را داشته باشند. وکلای دادگستری باید این آگاهی تخصصی و اطلاعات لازم را به مردم منتقل نمایند. با مطالبه‌گری در این خصوص، امکان اصلاح قوانین از طریق افزایش آگاهی عمومی ممکن است و می‌تواند سبب اصلاح قوانین نادرستی مانند تبصره ماده ۴۸ شود.

حق برخورداری متهم از وکیل معمولاً در مراحل حساس دادرسی کیفری، مانند بازجویی‌های پلیس، جلسات آزادی بر اساس وثیقه، جلسات دادگاه، درخواست‌های پیش از محاکمه و جلسات صدور حکم اعمال می‌شود. حضور مشاور حقوقی به حفظ حقوق متهم در این مراحل کمک می‌کند. اگر متهم از حق حضور وکیل در آن مراحل حساس محروم شود، تخلف محسوب می‌شود. محرومیت از داشتن وکیل مدافع، ممکن است به دلیل اشتباهات رویه‌ای، عدم دسترسی به وکیل مدافع، یا مانع‌تراشی عمدی رخ دهد.

در نهایت، حق وکالت شامل حق متهم به دستیابی به کمک‌های مؤثر یک وکیل است. اگر وکیل منسوب، به دلایلی مانند سهل‌انگاری، عدم آمادگی یا تضاد منافع، در عرضه خدمات حقوقی کوتاهی کند، این می‌تواند نقض حقوق متهم برای دادرسی عادلانه محسوب گردد.

دسترسی یک متهم در ایران به محاکمه عادلانه، از جمله دسترسی به وکیل انتخابی در تمام مراحل، به اندازه سایر نقاط جهان ضروری است. همانطور که در این بسته آموزشی به وضوح بحث شد، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، چالش مهمی برای دادرسی عادلانه و دسترسی به وکیل انتخابی در ایران ایجاد کرده است. برای اطمینان از رفع چنین موانعی برای دسترسی به عدالت، ما باید به دادخواهی برای حذف تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ادامه دهیم.

در انتها از وکلای محترم دادگستری درخواست می‌شود، تجارب خود را درباره حق دسترسی فوری به وکیل و ضرورت لغو تبصره ماده ۴۸ را از طریق ایمیل: info@juvenilejusticecentre.com با ما به اشتراک بگذارند.

